

پزشکی نبوی و جهان غرب

سید محمد جواد مرتضوی^{۱*}، سید محمد علی سجادی^۲، زهرا هاشمی^۳

چکیده

پزشکی مدرن و روش‌های امروزی بهداشت و توسعه‌ی سلامت تا حد زیادی مدیون آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و دانشمندان بزرگ اسلامی است، اما متأسفانه قسمت اعظم این خدمات هم‌چنان برای مردم دنیا ناشناخته باقی مانده است. برای مثال، خدمات حکما و اندیشمندان مسلمانی هم‌چون ابن سینا، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و الزهراوی موجب پیدایش پیشرفت‌های شگرفی در علوم مختلف پزشکی گردید که چندین قرن به منزله‌ی موتور محرکی برای گسترش مرزهای دانش پزشکی در اروپا عمل نمود. الطب النبوی (طب پیامبر) مجموعه‌ای از دستورات پزشکی است که توسط مسلمین به‌عنوان یک جایگزین برای سیستم پزشکی یونانی (منشأ گرفته از طب جالینوس Galen) مورد استفاده قرار گرفته است. در حقیقت، نگارندگان طب النبوی افراد مذهبی و غیر پزشکی بودند که با استفاده از آیات قرآن و شیوه‌ی زندگی رسول اکرم (ص) این دستورات را جمع‌آوری نموده بودند. اگر چه طب النبوی در ابتدا به‌عنوان یک جایگزین برای طب یونانی مطرح شده بود، اما بعدها بزرگانی نظیر الذهبی (Adh-Dhahabi) کوشیدند تا طب عربی-اسلامی را با طب یونانی ممزوج نمایند. از این رو، این دسته از اندیشمندان مسلمان تعالیم بقراط (Hippocrates) و جالینوس (Galen) را نیز علاوه بر پزشکان مسلمان مورد استناد قرار داده‌اند. اما از سوی دیگر تقریباً تمام روش‌های درمانی پیشنهاد شده توسط اندیشمندانی هم‌چون جلال الدینی السبوطی (متوفی ۱۵۰۵ میلادی) بر اساس دانش پزشکی در زمان رسول اکرم (ص)، که از قرآن کریم، سنت حضرت رسول، احادیث روایت‌شده از ایشان و روش‌های درمانی رایج در جوامع اسلامی اولیه منشأ گرفته بود، است. با توجه به شواهد موجود، استفاده از ویژگی‌های درمانی حنا، زیتون و مسواک از جمله اقدامات درمانی در طب النبوی است که به‌خوبی مستند سازی شده‌اند. این درحالی است که برخی دانشمندان غربی کوشیده‌اند تا از اساس و بنیان منکر توجه اسلام به پزشکی و مقوله‌ی سلامت گردند. نقطه‌ی اوج این دیدگاه افراطی و غیر علمی در نوشته‌های مانفرد اولمان (Manfred Ullman) دیده می‌شود. وی در کتاب خود تحت عنوان «طب اسلامی» اشاره می‌کند که ظهور حضرت رسول اکرم (ص) موجب بروز هیچ تغییری در وضعیت پزشکی نشد و در قرآن نیز با وجود آن‌که پرسش‌های بسیاری در مورد زندگی انسان بیان گردیده و قوانین زیادی مطرح شده است، در هیچ کجای آن نه به پزشک اشاره‌ای شده است و نه به دانش پزشکی. روشن است که مطابق مستندات انکارناپذیر، این اظهارنظرهای ناآگاهانه یا مغرضانه تا چه حد از حقیقت دور است. اظهار نظرهایی نظیر آنچه اولمان در خصوص اسلام و پزشکی و نقش مسلمین

^۱ - دانشیار فیزیک پزشکی، مرکز پژوهش‌های علوم پرتوی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز و گروه بیوشیمی - بیوفیزیک - دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

^۲ - استادیار گروه بیماری‌های داخلی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان روابط بین الملل، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

^۳ - کارشناس ارشد، گروه بیوشیمی - بیوفیزیک و روابط بین‌الملل دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

* نشانی: شیراز، خیابان هتل هما، دانشکده پیراپزشکی گروه رادیولوژی، تلفن: +۹۸۳۹۱۸۲۲۰۰۵۳، Email: mmortazavi@sums.ac.ir

در توسعه‌ی دانش پزشکی اظهار داشته است، در نوشته‌های بسیاری از دیگر نویسندگان دنیای غرب نیز وجود دارد. در این نوشتار کوشش شده است تا علاوه بر تشریح نقش پزشکی نبوی در پیشرفت دانش پزشکی، ریشه‌های تلاش غرب برای نادیده انگاشتن نقش اسلام و پزشکان مسلمان در توسعه‌ی دانش پزشکی مورد بحث قرار گیرند.

واژگان کلیدی: اسلام، پزشکی نبوی، تولید علم، جهان غرب

مقدمه

هنگامی که دین نوپای اسلام دنیای متمدن آن روز را به مبارزه دعوت کرد، بسیاری از عناصر و ساختارهای تمدن کشورهای تسخیر شده توسط مسلمانان حفظ و گسترش داده شد، اما متعاقب ضعیف شدن امپراتوری بزرگ اسلامی، قسمت عمده‌ی مشارکت مسلمانان در حیطه‌ی هنر و علوم مختلف توسط مغول‌ها و اسپانیایی‌ها نابود گردید. علت این تفاوت عمده در عملکرد مسلمانان با فاتحان مورد اشاره، توجه مسلمین به آموزه‌های قرآن و پیامبر اکرم بود (۱). اسلام دینی بود که اولین کلام وحی آن با دعوت به خواندن آغاز شده بود. هم‌چنین در مورد اهمیت نگارش و مکتوب نمودن و ثبت اندیشه‌ها، پیامبر اعظم (ص) فرمود دانش را با نوشتن در بند کنید. توانایی خواندن و نوشتن به قدری در جامعه‌ی اسلامی اهمیت داشت که هر اسیر جنگی که به ۱۰ مسلمان خواندن و نوشتن می‌آموخت، بی‌درنگ آزادی خود را باز می‌یافت. قرآن به صراحت از نابرابری آن‌ها که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند سخن می‌گفت (۲) و پیامبر اعظم ارزش یک‌ساعت فراگیری را بیش از یک شب عبادت می‌دانست. هم‌چنین توجه ویژه‌ی اسلام به امر پاکیزگی به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای سلامت و عبادت نقش مهمی در گسترش تحقیقات سلامت در سرزمین‌های اسلامی داشت (۳).

در بعد شناخت بدن انسان و رازهای موجود در آن، پیامبر اعظم (ص) انسان‌ها را به فراگیری دانش‌های کاربردی نظیر دانش پزشکی دعوت می‌نماید: «از خدا دانش سودمند طلب کنید و از دانش بی‌سود به خدا پناه ببرید». اسلام علم شناخت بدن انسان را در ردیف علم دین قلمداد نموده است. حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید علم بر دو قسم است: علم ادیان و علم شناخت بدن «العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان». این کلام حکیمانه به روشنی اهمیت علم طب را در اسلام مشخص می‌کند. در بعد سلامت و اهمیت حفظ جان یک انسان، قرآن کریم نجات جان یک انسان را به قدری مهم

می‌داند که ارزش آن را به اندازه‌ی نجات جان تمامی انسان‌ها قلمداد می‌کند (۲). هم‌چنین این فرمایش رسول اکرم (ص) که مردم را به درمان بیماری‌هایشان دعوت کرده و وجود دارویی برای درمان هر بیماری را تضمین می‌نماید «تداووا عباد الله فان الله انزل لكل داء دواء عرفه من عرفه وجهله من جهله» در تشویق مسلمین به فراگیری دانش پزشکی نقش مؤثری داشته است. در اسلام نیز علاوه بر لزوم حفظ سلامت، به رعایت نکات اخلاقی پزشکی توجه ویژه‌ای صورت گرفته است (۴). شواهد موجود نشان می‌دهد که پزشکی اسلامی و پزشکان مسلمان در حیطه‌های مختلف علوم پزشکی از طب داخلی، روان‌پزشکی، بهداشت عمومی و تغذیه گرفته تا اعمال جراحی ظریف و دقیقی هم‌چون جراحی چشم به پیشرفت‌های بزرگی دست یافته بودند (۵). به‌علاوه، پزشکان مسلمان در حیطه‌هایی نظیر جراحی و ترمیم دندان (۶)، شکستن و بیرون آوردن سنگ کلیه و مثانه (۷)، جانداختن مفاصل جابه‌جا شده و در رفته و ترمیم استخوان‌های شکسته (۷)، پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته (۵) و بسیاری از زمینه‌های دیگر به پیشرفت‌های قابل توجهی دست پیدا کرده بودند.

آموزه‌های پیامبر و شیفتگی برای فراگیری علوم تجربی و دانش پزشکی

در اسلام، انسان شاهکار خلقت و جانشین خداوند بر روی زمین است (۲). هم‌چنین خداوند استدلال، حق انتخاب و مسئولیت‌هایی نظیر اشراف بر سایر مخلوقات و محیط زندگی را به انسان موهبت داده است. هم‌چنین مسلمانان به میانه‌روی و اعتدال در تمام امور و حفظ سلامت خود فراخوانده شده‌اند. بیماری در اسلام ممکن است به‌عنوان یک آزمایش الهی در نظر گرفته شود اما نمی‌توان آن را به‌عنوان نشانه‌ای از خشم خداوند تلقی نمود. از این منظر بیماران به جست‌وجوی دارو و روش‌های درمانی مناسب برای دستیابی به سلامت خود دعوت شده و از این اعتقاد که چنین چیزی

در سرنوشت آن‌ها مقدر شده است، به شدت نهی شده‌اند. باورهای مسلمانان در مورد لزوم ارتقای سطح سلامت در دوره‌های بعد موجب شد در مدت زمانی که اروپا عصر تاریکی را طی می‌کرد، دانشمندان مسلمان به گسترش مرزهای دانش در حیطه‌ی پزشکی بپردازند (۸).

توجه ویژه‌ی اسلام به مقوله‌ی سلامت جسم و جان به ظهور تعداد زیادی از پزشکان شهیر مسلمان نظیر رازی (Rhazes)، ابن سینا (Avesina)، ابن زهر (Avenzoar)، ابوریحان بیرونی و زهراوی (Al-Zahravi) گردید. در سال ۶۳۶ میلادی، شهر جندی شاپور (در اصل به معنی باغ زیبا) که دارای دانشگاه و بیمارستانی عظیم بود، به تصرف مسلمین درآمد. خوشبختانه، در این تصرف دانشگاه جندی شاپور و بیمارستان آن آسیب ندید و مسلمانان مشتاق فراگیری دانش پزشکی، چندین دانشکده‌ی پزشکی را بر اساس الگوی بیمارستان دانشگاهی جندی شاپور بنا نهادند. در این مدل، آموزش پزشکی بسیار جدی و نظام‌مند بود (۹). هم‌چنین در این بیمارستان‌های آموزشی، سخنرانی‌ها و امور بالینی بر اساس سیستم کارآموزی صورت می‌گرفت. خلفای اسلامی بخش مهمی از ثروت سرزمین‌های اسلامی را صرف درمان بیماران و تحقیقات سلامت می‌نمودند (۳). تنها ۸۶ سال پس از هجرت پیامبر اعظم (سال ۷۰۷ میلادی) اولین بیمارستان مبتنی بر طب اسلامی در شهر دمشق ساخته شد. در این بیمارستان، پذیرش بیماران بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد و دین و اغلب به صورت رایگان صورت می‌گرفت. این روند تا آن‌جا ادامه یافت که در قرن نهم میلادی تقریباً در تمام شهرهای سرزمین‌های اسلامی بیمارستانی وجود داشت که نسبت به درمان بیماران صرف نظر از توانایی آن‌ها برای پرداخت هزینه‌های درمانی اقدام می‌نمود. مطابق شواهد موجود، پزشکی اسلامی در حیطه‌هایی هم‌چون آموزش پزشکی، اداره‌ی بیمارستان‌ها، باکتری‌شناسی، بیهوشی، جراحی، داروسازی، چشم پزشکی، روان‌درمانی و بیماری‌های سایکوسوماتیک به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته بود.

از میان بیمارستان‌های مبتنی بر طب اسلامی آن زمان تنها در جندی شاپور و بغداد دانشکده‌های ویژه‌ای برای مطالعه علوم پایه وجود داشت. تدریس آناتومی در بغداد با استفاده از تشریح میمون یا اسکلت انسان صورت می‌گرفت. در بقیه‌ی دانشکده‌های پزشکی تدریس آناتومی تنها بر اساس سخنرانی و استفاده از تصاویر بود. دارا بودن سطح قابل قبولی از دانش شیمی برای ورود به دانشکده‌های پزشکی به‌عنوان یک پیش‌نیاز لازم بود. در برخی بیمارستان‌های آموزشی، باغ گیاهان دارویی وجود داشت که علاوه بر تأمین داروی مورد نیاز بیماران، آموزش داروسازی به دانشجویان پزشکی را نیز ممکن می‌ساخت (۹).

کلیسا در مقابل دانش پزشکی

تا سال ۶۰۰ میلادی علوم مختلف در مناطق تحت نفوذ کلیسا به قدری رو به انحطاط گذاشته بود که خواندن و نوشتن امری تجملی و مخصوص روحانیون بوده و تقریباً اثری از علوم دیگر یافت نمی‌شد. تنها استثنا در این مقوله باقی ماندن آثار کمی از دانش پزشکی بود. علت نابود شدن کامل دانش پزشکی نیز این بود که درباریان خود به پزشک نیازمند بودند. با این وجود در میان مردم کوچه و بازار سحر و دعا بر پزشکی و دارو برتری داشت. نکته‌ی جالب توجه این بود که کشیشان در تشویق مردم به باور کردن سحر و جادو نقش مهمی داشتند. بازخوانی ماجرای یکی از اسقف‌های مسیحی در این ارتباط خالی از لطف نخواهد بود. گرگوری اسقف تور (۵۹۴-۵۳۸) استفاده از دانش پزشکی و معالجات طبی را در درمان بیماری‌های مختلف به‌جای استفاده از دعا و اوراد مذهبی پلید و نادرست معرفی می‌کرد. هنگامی که وی خود بیمار گشت، از یک پزشک درخواست شد که به معالجه‌ی وی بپردازد اما کمی بعد با این بهانه که روش‌های درمانی آن پزشک مؤثر نبوده است، عذر وی را می‌خواهد، و سپس مقداری از خاک گور «مارتین قدیس» را با آب مخلوط کرده و به مردم اعلام می‌کند که شفای وی مربوط به استفاده از آن خاک مقدس است.

پزشکی نبوی

دستورات صریح قرآن کریم، آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) و دانشمندان و حکمای بزرگ اسلامی نقش قابل توجهی در شکل گرفتن دانش پزشکی مدرن داشته‌اند. بیان دقیق مراحل رشد جنینی انسان در قرآن و تشریح مسائل حقوقی و قانونی آن موجب شگفتی اندیشمندان شده است (۱۱، ۱۰). مطابق مستندات موجود، خدمات دانشمندان و اندیشمندان مسلمان موجب پیدایش پیشرفت‌های شگرفی در علوم مختلف پزشکی گردید که برای چندین قرن به منزله‌ی موتور محرکی در جهت گسترش مرزهای دانش پزشکی در اروپا عمل نمود. متأسفانه، قسمت اعظم این خدمات، هم‌چنان برای مردم دنیا ناشناخته باقی مانده است. طب پیامبر (الطب النبوی Prophetic Medicine) مجموعه‌ای از دستورات پزشکی است که در ابتدا توسط مسلمین به‌عنوان یک جایگزین برای سیستم پزشکی یونانی (منشأ گرفته از طب جالینوس Galen) مورد استفاده قرار گرفت.

اگر چه نگارندگان طب النبوی در آغاز این روش پزشکی را به‌عنوان یک جایگزین برای طب یونانی مطرح می‌نمودند، بعدها بزرگانی نظیر Adh-Dhahali (وفات در ۱۳۴۸ میلادی) کوشیدند تا طب عربی-اسلامی را با طب یونانی ممزوج نمایند. از این رو، این دسته از اندیشمندان مسلمان، تعالیم بقراط و جالینوس را نیز علاوه بر پزشکان مسلمان مورد استناد و ارجاع قرار دادند. با این وجود، روش‌های درمانی نگارش شده توسط اندیشمندانی هم‌چون جلال الدینی السیوطی (متوفی ۱۵۰۵ میلادی) تقریباً به‌طور کامل بر اساس دانش پزشکی در زمان رسول اکرم (ص)، که از قرآن کریم، سنت حضرت رسول، احادیث روایت شده از ایشان و روش‌های درمانی رایج در جوامع اسلامی اولیه منشأ گرفته بود، استوار شده است. با توجه به شواهد موجود، استفاده از ویژگی‌های درمانی حنا، زیتون و مسواک از جمله اقدامات درمانی در طب النبوی است که به‌خوبی مستندسازی شده‌اند. اگر چه در ابتدای ظهور اسلام، اکثر پزشکان در جوامع

اسلامی، مسیحی بودند، در قرن نهم میلادی، پزشکی اسلامی با تالیف بهشت حکمت (فردوس الحکمه The Paradise of Wisdom) توسط علی بن ربان الطبری (Al-Tabari) به نقطه‌ی عطفی دست یافت. طبری با بهره‌گیری از امتزاج تعالیم بهداشتی اسلام با طب بقراط (Hippocrates) و جالینوس (Galen) از یک‌سو و پزشکی ایران و هندوستان از سوی دیگر صفحه‌ی تازه‌ای را در پزشکی اسلامی گشود. بدین ترتیب، بیش از یک‌هزار سال پیش، ایران و کشورهای اسلامی مهد فراگیری دانش پزشکی بودند و علوم مختلف به‌ویژه طب از این طریق به سرزمین‌های غربی گسترش یافت (۱۲).

محمدبن زکریای رازی (Rhazes) از جمله شاگردان طبری بود که افق‌های تازه‌ای را در طب بالینی گشود (۱۳). رازی از اولین پزشکانی است که طب بالینی و مشاهده (observation) را مورد تأکید قرار داده است. وی در پیش‌آگهی بیماری‌ها (prognosis)، بیماری‌های سایکوسوماتیک و آناتومی تب‌بر داشته است. هم‌چنین گزارش شده است که رازی از پیشگامان آناتومی اعصاب بوده و با آمیزش آناتومی اعصاب با اطلاعات بالینی، به تعیین موقعیت ضایعات عصبی پرداخته است (۱۳). مطابق شواهد موجود، رازی اولین پزشکی است که آبله را تشخیص داده و به مداوای آن پرداخته است. وی هم‌چنین از الكل به‌عنوان یک ماده‌ی ضدعفونی‌کننده استفاده نموده و از خاصیت جیوه به‌عنوان مسهل اطلاع داشته است. کتاب معروف رازی، الحاوی، ارزنده‌ترین کتاب در پزشکی اسلامی بوده و تا قرن هجدهم میلادی در غرب به‌عنوان یک مرجع مورد استفاده قرار می‌گرفت.

هم‌چنین ابن سینا (Avesina) که در غرب به‌عنوان شهریار پزشکان (The Prince of Physicians) و در کشورهای عربی به‌عنوان پزشک پزشکان (طیب الاطباء) شهرت دارد، با تالیف کتاب مشهور خود، قانون طب (The Canon of Medicine) مشهورترین کتاب پزشکی تاریخ را به رشته نگارش درآورد. این کتاب در واقع آخرین تلاشی است که برای امتزاج پزشکی یونانی و پزشکی اسلامی صورت گرفته است. ابن

ابو ریحان بیرونی، ابن نفیس، و طبری نقش غیر قابل انکاری در بسط و توسعه‌ی دانش پزشکی و ظهور پزشکی مدرن داشته است.

مبانی خیزش علمی در دوره طلایی اسلام

اسلام هر چیزی که کیفیت زندگی را بهبود بخشد مورد توجه و حمایت است. بنابراین، از همان ابتدای ظهور دین مبین اسلام، دانش در همه‌ی ابعاد مورد توجه و حمایت قرار گرفت. اگر چه در ابتدا زندگی بسیار ساده و ابتدایی اعراب ساکن در شبه جزیره‌ی عربستان و احساس بی‌نیازی به خواندن و نوشتن موجب گردیده بود که قوم عرب ضرورتی برای فراگیری علوم مختلف نیابند، به‌دنبال ظهور اسلام، براساس توصیه‌های قرآن کریم و سفارش‌های پیامبر اکرم (ص)، اعراب مسلمان به خواندن و نوشتن روی آوردند و نخستین گام‌های معرفتی خود را با فراگرفتن قرآن آغاز نمودند، اما هنوز قبح نگارش در میان اعراب باقی بود و به همین علت بسیاری از علوم در جامعه‌ی عرب ناشناخته مانده بود. در این زمان دستور صریح پیامبر «دانش را با نوشتن در بند کنید» مسلمانان را راغب به یادگیری و ثبت آموخته‌ها نمود و همین امر باعث رشد معرفتی مسلمانان و آغاز نهضت ترجمه گردید. در این دوران، که دوران طلایی اسلام نام گرفته است، تقریباً تمامی آثار علمی یونانی و سریانی به عربی ترجمه گردید. حضور فعال و همه‌جانبه‌ی مستشاران باکفایت و رایزنان بادرایت ایرانی یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی خلافت اسلامی را به‌وجود آورد. این پیشرفت‌های بزرگ در علوم پزشکی که منجر به ابداعات و اختراعات زیادی نیز در علم پزشکی گردید، به گفته‌ی سید (Syed) صدها سال به طول انجامید (۹). جالب توجه است که در زمانی که اروپا در عصر تاریکی به سر می‌برد و به گفته‌ی دبورا رو (Deborah Row) تفکر علمی را فراموش کرده بود اسلام در اول راه طلوع علمی خود بود (۱۶). در آن زمان متفکران اسلامی با شور و هیجان و کنجکاوای خاص خود به‌دنبال یافتن حقیقت و راز دنیای اطراف خود بودند. تجارت و معامله با تاجران

سینا اولین پزشکی است که به صراحت از اثر قابل ملاحظه‌ی عوامل احساسی و عاطفی بر روی سلامت بدن و بروز بیماری‌های سوماتیک سخن گفته است (۱۴). این اندیشمند بزرگ مسلمان هم‌چنین تأثیر موسیقی بر روند درمان بیماری‌ها را مورد توجه قرار داده است. ترجمه‌ی لاتین کتاب قانون طی قرون ۱۲ تا ۱۷ میلادی به‌عنوان یک کتاب مرجع پزشکی در اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز نیز در کشورهای مثل پاکستان و هند و بنگلادش و سریلانکا یا برخی نواحی ایران و جهان عرب که طب سنتی اسلامی هم‌چنان در آن‌ها رواج دارد در دانشکده‌های پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بیمارستان‌های مبتنی بر طب اسلامی برای معالجه‌ی بیمارانی که مبتلا به بی‌خوابی بودند، از روش‌هایی هم‌چون موسیقی ملایم یا داستان‌خوانی استفاده می‌شد (۱۵). نکته‌ی جالب توجه در مورد تأثیر پزشکی اسلامی بر رشد پزشکی مدرن این است که حتی تا مدت زمان طولانی پس از شروع رنسانس، پزشکان اروپایی هم‌چنان از گنجینه دانش تولید شده توسط پزشکان مسلمان استفاده می‌کردند. تا سال ۱۵۸۸ میلادی در شهر فرانکفورت آلمان قانون ابن سینا و قسمتی از کتاب المنصوری رازی در برنامه رسمی دانشکده‌های پزشکی گنجانیده شده بود (۱۵). هم‌چنین در قرن هفدهم در فرانسه و آلمان پزشکی وجود داشتند که از پزشکی اسلامی-عربی به‌عنوان اساس کار خود بهره می‌جستند. در کشورهای اروپایی نظیر انگلستان تا نیمه قرن هجدهم ترجمه‌ی کتاب تذکره الکحالین، که در مورد چشم‌پزشکی توسط علی بن عیسی بغدادی تالیف شده است، مورد استفاده چشم پزشکان قرار می‌گرفت. درمان بعضی از انواع آب مروارید چشم در انگلستان تا سال ۱۷۸۰ میلادی و در آلمان حتی تا ۱۸۲۰ میلادی هم‌چنان از روی شیوه‌ی ابداعی جراحان مسلمان صورت می‌گرفت (۱۶).

بدین ترتیب، آموزه‌های بهداشتی پیامبر اکرم، همراه با دستاوردهای علمی دانشمندان و حکمای بزرگ اسلامی نظیر رازی، ابن سینا، زهراوی (Al-Zahravi)، ابن زهر (Avenzoar)،

و در ابتدا در ملت‌های باستانی نظیر ایران، مصر، هند و چین این دانش مورد توجه قرار داشته است. دانش پزشکی بعدها در قالب طب یونانی و رومی توسعه یافته و ایرانیان باستان از امتزاج دانش پزشکی خود با طب یونانی، رومی و هندی به علم پزشکی شکوفا و بالنده‌ای دست یافتند که این شکوفایی در دانشکده‌ی پزشکی و بیمارستان جندی شاپور (معرب نام فارسی گندی شاپور) به خوبی نمایان شده بود. دانشمندان اسلامی با بهره‌گیری از پزشکی ایرانی و به‌ویژه اقتباس از پزشکی جندی شاپور آن روز، پزشکی اسلامی را بنا نهادند که در سالیان بعد به صورت فزاینده‌ای رشد و نمو داشته و تولید دانش را در این زمینه متحول نمود (۱۹).

بررسی‌های مقدماتی تأسیس دانشگاه بزرگ جندی شاپور در زمان اردشیر بابکان، مؤسس سلسله‌ی ساسانی صورت گرفت و سپس پسر وی، شاپور اول (۲۷۱-۲۴۱ میلادی) با بهره‌گیری از جمع زیادی از دانشمندان مطرح و جمع‌آوری کتاب‌های زیاد، دانشگاهی را احداث نمود که در عرض مدت کوتاهی به بزرگ‌ترین مرکز علمی آن دوره تبدیل شد. البته برخی از محققان نظیر سیریل الگود احداث دانشگاه بزرگ جندی شاپور را به شاپور دوم نسبت می‌دهند. دانشگاه جندی شاپور برای گلچین کردن معارف آن دوره سبک خاصی را ابداع نموده بود (۱۹). با تعطیل شدن مرکز علمی الرها توسط امپراتور زنون، عده‌ای از اساتید نستوری این مرکز علمی به ایران آمده و در جندی شاپور به ترویج علم پرداختند. این دانشمندان ترجمه‌های سریانی کتاب‌های پزشکی بقراط و جالینوس را با خود به جندی شاپور آورده و آن‌ها را تدریس می‌کردند.

هم‌چنین هنگامی که ژوستینین، امپراتور روم شرقی، مدرسه آتن (آکادمی افلاطون) را بست، هفت تن از فلاسفه و اساتید این مدارس به ایران گریختند و به دربار شاهپور اول پناهنده شدند. پادشاه ایران این اساتید را اکرام نموده و پس از مدتی مصاحبت با آنان در تیسفون، ایشان را برای تدریس به دانشگاه جندی شاپور فرستاد (۲۰). هنگامی که این استادان

هندی و چینی مرزهای علمی اسلام را بیش از پیش گسترش داده و به اروپا و جنوب آفریقا کشاند. در این راستا، مسلمانان با فتح اندلس و اسپانیا اسلام را به این کشورها برده و فرهنگ اسلامی را در کنار فرهنگ بومی رواج دادند و در این گذر به ترجمه‌ی آثار علمی و فرهنگی پرداختند. بر اساس نظر دبور (۱۶) در زیر پرچم علم و دانش بزرگ‌ترین اتحاد بین المللی و فرا فرهنگی در همین زمان به وجود آمد؛ پدیده‌ای که نظیر آن در هیچ دوره‌ی دیگری از تاریخ دیده نشد. این عطش علمی موجب شد که تا قرن دهم میلادی تقریباً تمامی آثار پزشکی یونانی و سریانی به عربی ترجمه شده و عربی عملاً به زبان علمی دنیا مبدل گردد. به همین جهت کمبل (Campbell) خاطر نشان می‌نماید که سیستم پزشکی اروپا در حقیقت اسلامی است نه تنها از حیث بنیان بلکه از حیث ساختار. در حقیقت، دانشمندان مسلمان پرچم‌داران علم اروپایی‌ها هستند (۱۷).

در کنار تلاش‌های بی‌وقفه‌ی محققان علم نجوم و سایر علوم، پزشکان کارآمد نیز در اعتلای علم پزشکی تلاشی در خور اعتنا نمودند. در میان پزشکان پرکار دربار منصور، جورجیس بن بختیشوع از جایگاه والایی برخوردار بود. او که رئیس دارالعلم و بیمارستان جندی شاپور بود، به دنبال بیماری صعب‌العلاج منصور به دربار خلیفه راه یافت و چیزی نگذشت که از ملازمان نزدیک خلیفه گردید. او در مدت اقامتش در دربار بغداد کتاب‌های پزشکی بسیاری را به رشته تحریر درآورد و از آن‌جا که به زبان‌های سریانی، یونانی، فارسی و عربی به خوبی آشنا بود توانست کتاب‌های طبی یونان باستان را برای خلیفه ترجمه نماید. مهارت، حسن سیرت و کاردانی او، حضور فرزندان و نوادگانش را در دربار شش خلیفه‌ی عباسی (منصور، هارون، مأمون، معتصم، واثق و متوکل) تضمین نمود.

نقش دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور در شکل‌گیری

طب اسلامی

دانش پزشکی از قدمتی ۵۰۰۰ ساله برخوردار است (۱۸)

بدیعی که در دانشکده‌ی پزشکی جندی‌شاپور صورت گرفت، تدریس دانش موسیقی به دانشجویان پزشکی و استفاده از روش‌های موسیقی درمانی (به ویژه استفاده از ساز عود) برای درمان برخی بیماری‌ها بوده است.

شهر جندی‌شاپور در سال ۶۳۶ میلادی تسلیم سپاه اسلام شد و ساکنان آن از مجازات در امان ماندند (۲۴). روایتی که در مورد علت در امان ماندن ساکنان جندی‌شاپور از مجازات وجود دارد این است که که سردار عرب زرابن عبدالله شهر جندی‌شاپور را برای مدتی در محاصره گرفت، هنگامی که وی کاری از پیش نبرد، ابوسیره، فاتح شوش به کمک او شتافت، ولی بازهم اعراب موفق به تسخیر شهر نشدند. در این میان یکی از ایرانیان اسیر که اسلام آورده و در میان اردوی عرب بوده است، امان‌نامه‌ای برای ساکنان شهر می‌نویسد و با پیکانی این امان‌نامه را به داخل شهر پرتاب می‌کند. ساکنان شهر پس از اطمینان از در امان بودن، بدون هیچ مقاومتی تسلیم می‌شوند. هر چند سردار عرب نمی‌خواست امان‌نامه خودسرانه‌ی یک اسیر ایرانی را بپذیرد، اما مسلمانان با استناد به این که در دین مبین اسلام، بین سرباز مسلمان و فرمانده تفاوتی وجود ندارد، فرمانده را متقاعد می‌کنند تا امان‌نامه را معتبر بشمارد. بدین ترتیب شهر زیبای جندی‌شاپور با دانشکده‌ی پزشکی و بیمارستان آن بدون تخریب به تسخیر سپاه اسلام در می‌آید (۲۵). جندی‌شاپور از زمان تسخیر تا سه قرن بعد هنوز یک مرکز بزرگ علمی محسوب می‌شد و به رشد علوم مختلف به ویژه طب در بین مسلمین کمک شایان توجهی نمود (۲۲). جندی‌شاپور در قرن سوم هجری که به تدریج بر شهرت بغداد افزوده شد، اهمیت چند صد ساله‌ی خود را از دست داد و رو به ویرانی گذارد. یاقوت حموی جغرافی‌نویس معروف، در قرن هفتم هجری از این شهر به‌عنوان ویرانه نام برده است (۲۵).

غرب و انکار واقعیت‌ها

دانشمندان مسلمان در بسط دانش پزشکی به‌ویژه گسترش مرزهای دانش در حیطه‌هایی هم‌چون آناتومی، پزشکی

تصمیم به بازگشت به وطن گرفتند، شاپور اول در عهدنامه‌ای که در سال ۵۳۳ میلادی با ژوستینین منعقد نمود، مصونیت ایشان را از مجازات در بازگشت به وطن تضمین نمود. نبود تبعیض نژادی و مذهبی و این طرز سلوک با دانشمندان موجب گردید تا در این دوره دانش‌پژوهان بسیاری از اطراف و اکناف جهان جذب دانشگاه جندی‌شاپور شوند. با جذب شدن مسیحیان نستوری در دانشگاه جندی‌شاپور، ترجمه‌ی سریانی آثار یونانی در طب و فلسفه امکان‌پذیر شده و این امر به پیشرفت طب در ایران کمک قابل توجهی نمود. پزشکان برای این که بتوانند در جندی‌شاپور پذیرفته شوند بایستی از عهده‌ی آزمون‌های سختی بر می‌آمدند و با حمایت پادشاه، جلسات مناظره‌ای به سبک کنفرانس‌های امروزی بین پزشکان طراز اول جندی‌شاپور ترتیب داده می‌شد و مشروح مذاکرات در کتاب‌هایی ثبت می‌گردید. گزارش شده است که اولین سمپوزیوم پزشکی به سبک و سیاق آن‌چه امروز مرسوم است در زمان انوشیروان ترتیب داده شد (۲۱).

در جندی‌شاپور آموزش پزشکی یونانی با پزشکی هندوستان، ایران باستان و سوریه یک مکتب درمانی شکوفا را به وجود آورد. در طب ایرانی، بیماری از آلودگی یا ناپاکی یکی از عناصر چهارگانه آتش، آب، خاک، باد حاصل می‌شد. مطابق طب ایرانی بهداشت عمومی در گرو سوزاندن تمام مواد فاسد بود. شهرت دانشکده پزشکی و بیمارستان جندی‌شاپور به قدری بود که دانش‌پژوهان و دانشجویان کشورهای همسایه را نیز به سمت خود جذب نموده است. حارث بن کلد، پزشک معروف عرب که افتخار معاصر بودن با پیامبر اکرم (ص) را داشته‌اند، از جمله افرادی است که در جندی‌شاپور تعلیم دیده است (۲۲).

پیشرفت علم پزشکی در جندی‌شاپور به قدری بود که بر حسب نوشته‌ی یکی از تاریخ‌نویسان، طبای جندی‌شاپور معتقد بودند که تنها دارنده‌ی این علم آنان هستند و این علم از بین آن‌ها بیرون نخواهد رفت و دیگران را آن مایه و مقدار نیست که از آن استفاده برند (۲۳). یکی از مهم‌ترین کارهای

اسلام و پزشکی و نقش مسلمین در توسعه‌ی دانش پزشکی اظهار داشته است، در نوشته‌های بسیاری از نویسندگان دنیای غرب وجود دارد. به نظر می‌رسد ریشه‌های نادیده‌انگاشتن نقش اسلام و پزشکان مسلمان در توسعه‌ی دانش پزشکی را می‌توان در محورهای زیر بررسی نمود:

- ۱- نبود یک مدل بهداشتی جامع اسلامی در مقابل مدل‌های غربی
 - ۲- فقدان دوره‌های آموزشی پزشکی اسلامی در کشورهای اسلامی (۳۶)
 - ۳- عناد کلی غرب با دنیای اسلام
 - ۴- غرور و تمامیت‌خواهی کشورهای غربی
 - ۵- تلاش برای فراهم کردن مبانی فکری و نرم‌افزاری برای تداوم سیاست‌های سلطه‌طلبی
 - ۶- عدم دسترسی مؤثر کشورهای اسلامی و دانشمندان مسلمان به رسانه‌های بزرگ با پوشش جهانی
 - ۷- تغییر تدریجی نگرش مسلمین نسبت به اهمیت علوم پایه
 - ۸- ضعف شدید آگاهی مسلمین نسبت به حکما و مفاخر علمی مسلمان و نقش آن‌ها در توسعه‌ی دانش پزشکی در ادوار گذشته
- به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی باید برنامه‌های جامعی را در زمینه آشنا نمودن مردم به‌ویژه نسل جوان با نقش اسلام در پیشرفت علوم مختلفی هم‌چون پزشکی، ریاضیات، نجوم و شیمی تدوین نمایند تا بدین ترتیب اندیشمندان مسلمان خودباختگی و اتکای به غرب به‌عنوان چشمه‌ی لایزال تولید علم را کنار گذاشته و توانایی‌های خود را باور نمایند و در مرحله بعد با برنامه‌ریزی صحیح موجبات شکوفا شدن استعدادهای آن‌ها را فراهم آورند. ژاگو در مورد لزوم خودباوری چنین اظهار نظر می‌کند: «تا وقتی فکر می‌کنید که نمی‌توانید و دارای ظرفیت نیستید، احتمال موفقیت کم است. اگر درخشان‌ترین شایستگی‌ها را داشته باشید، خاموشش می‌کنید. بالعکس، فردی که از حیث هوش و قابلیت، متوسط،

تجربی، چشم پزشکی، آسیب‌شناسی، داروسازی، فیزیولوژی و جراحی نقش شگرف و غیرقابل انکاری داشته‌اند. هم‌چنین مسلمانان در ساختن اولین بیمارستان‌ها (۲۶)، دانشکده‌های پزشکی (۲۷) و حتی بیمارستان‌های تخصصی روان‌پزشکی (۲۸) پیشقدم بوده‌اند. دانشمند مسلمانی هم‌چون رازی، علاوه بر کشف بیماری سرخک و آبله، با به چالش کشیدن نظریات جالینوس، نشان داد که فرضیه‌ی مزاج (Humorism) وی فاقد اعتبار علمی است (۲۹). از سوی دیگر، ابو قسیم Abu al-Qasim (Abulcasis) با کتاب معروف خود «التصریف» کمک شایان توجهی به بنا نهادن پایه‌های جراحی مدرن نمود (۳۰). وی با ابداع بسیاری از وسایل جراحی، نظیر ابزار جراحی ویژه‌ی بیماری‌های زنان (۳۱)، کاربرد نخ بخیه (کاتگوت) در جراحی، استفاده از فورسپس، لیگاتور، سوزن، تیغ جراحی، ابزار تراش جراحی (curette)، رتراکتور، اسپکولا (specula) و گیره‌های جراحی (۳۲) و حتی اهره مخصوص بریدن استخوان (۳۳) به توسعه‌ی دانش جراحی مدرن کمک کرده است. دانشمند دیگری هم‌چون ابن الهیثم (Ibn al-Haytham)، به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه‌ی جراحی چشم نائل شد و برای اولین بار فرآیند بینایی را در کتاب اپتیک خود شرح داد (۳۴). با این وجود، اغلب دانشمندان غربی در گزارش‌های خود هیچ اشاره‌ای به نقش مسلمانان در توسعه‌ی بسیاری از علوم امروزی ننموده و حتی برخی از ایشان از این حد نیز فراتر رفته و تلاش کرده‌اند تا از اساس و بنیان منکر توجه اسلام به پزشکی و مقوله سلامت گردند. مانفرد اولمان (Manfred Ullman) در کتاب خود تحت عنوان «طب اسلامی» اشاره می‌کند که ظهور حضرت رسول اکرم (ص) موجب بروز هیچ تغییری در وضعیت پزشکی نشد و در قرآن نیز با وجود آن‌که پرسش‌های بسیاری در مورد زندگی انسان گردیده و قوانین زیادی مطرح شده است، در هیچ کجای آن نه اشاره‌ای به پزشک شده است و نه به پزشکی (۳۵). روشن است که این اظهارنظرهای ناآگاهانه یا مغرضانه تا چه حد از حقیقت دور است. اظهارنظرهایی نظیر آنچه اولمان در خصوص

منابع

1. Al- Ghazal SHK. The influence of philosophy and ethics on the development of medicine during the Islamic renaissance. Foundation for Science, Technology and Civilization 2007; 683.
2. Quran, 39:9, 5:23, 2:30.
3. Mann H. Medieval Medicine, Health and Hygiene, (2008). URL: http://www.sfusd.k12.ca.us/schwww/sch618/Medicine/Medicine_and_Health.html
- 4-Shafqat Azmi KA, Siddiqui MK. Islamic medical ethics with special reference to Moalejat-e-Buqratiya. Bull Indian Inst Hist Med Hyderabad 1999; 29(1): 15-27.
۵. الگود س. طب در دوره صفویه. ترجمه‌ی: جاویدان م. تهران، صفحه ۱۳۵۷ و ۲۲۶.
۶. حقانی ج. امامی میبیدی م.ع. رساله در تاریخ دندان پزشکی اسلامی. کرمان: دانشکده‌ی دندان پزشکی کرمان، ۱۳۷۱؛ شماره ۲.
۷. ابوعلی سینا. قانون در طب. ترجمه‌ی: شرفکندی ع. تهران: سروش، ۱۳۶۷؛ کتاب سوم، بخش سوم، صفحه ۲۱۱-۱۵۱، ۱۴۷-۱۲۹.
8. Majumdar SK. Glimpses of Islamic medicine. Bull Indian Inst Hist Med Hyderabad, 1997; 27(2):133-8.
9. Syed IB. Islamic medicine: 1000 years ahead of its times, (2008).URL: <http://www.ishim.net/ishimj/2/01.pdf>
10. Bucaille M. Human Reproduction. In: The Bible, the Qur'an and science. Indianapolis: North American Trust Publications, 1979; p. 198-210.
11. Al Bar MA. Human Development as Revealed in The Holy Qur'an and Hadith. (The creation of man between medicine and The Qur'an). Jeddah: Saudi Arabia Publishing & Distributing House; 1986.
12. Belen D, Aciduman A. A pioneer from the Islamic Golden Age: Haly Abbas and spinal traumas in his principal work, The Royal Book. J Neurosurg Spine, 2006; 5(4): 381-3.
13. Souayah N, Greenstein JI. Insights into neurologic localization by Rhazes, a medieval Islamic physician. Neurology, 2005; 65(1): 125-8.
14. Kamarzarin H. Country Profile: Iran, (2008). URL: <http://www.apa.org/international/pi-2002-13-1.pdf>
۱۵. زرین کوب ع. کارنامه اسلام. تهران: انتشارات امیر

ولی به خود اطمینان کامل داشته باشد که موفق خواهد شد، او موفق می‌شود» (۳۷). بی شک بازگشت به دوره‌ی شکوفایی علوم در کشورهای اسلامی امکان‌پذیر بوده و تنها به یک برنامه‌ی راهبردی جامع نیاز دارد، ولی این مهم بدون همدلی و هم‌داستانی مسلمانان و زمامداران ایشان در تمامی سرزمین‌های اسلامی جامعه‌ی عمل نخواهد پوشید. در حیطه‌ی پزشکی نیز با توجه به آنچه در قسمت‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت، مشارکت اسلام در این علم شگرف و قابل توجه است و همین سابقه‌ی درخشان بازگشت به روند پیشین تولید علم را در صورت اتخاذ راهکارهای مناسب هموار می‌نماید.

کبیر، ۱۳۸۰.

26. Sarton G. Introduction to the History of Science. Quotations From Famous Historians of Science 1997, (2008). URL: <http://www.cyberistan.org/islamic/Introl1.html>

27. Sir Glubb JB. A Short History of the Arab Peoples 1969, (2008). URL: <http://www.cyberistan.org/islamic/quote2.html#glubb>

28. Youssef HA, Youssef FA, Dening TR. Evidence for the existence of schizophrenia in medieval Islamic society". History of Psychiatry 1996; 7: 55-62.

29. Stolyarov GII. "Rhazes: The Thinking Western Physician". The Rational Argumentator, (2008). URL: <http://www.geocities.com/rationalargumentator/Rhazes.html>

30. Martin-Araguz A, Bustamante-Martinez C, Fernandez-Armayor AV, Moreno-Martinez JM. "Neuroscience in al-Andalus and its influence on medieval scholastic medicine". Revista de Neurología 2002; 34 (9): 877-92.

31. Bashar Saad Hassan, Omar Said A. "Tradition and Perspectives of Arab Herbal Medicine: a review". Evidence-based Complementary and Alternative Medicine (eCAM), 2005; 2 (4), 475-479

32. Al-Hadidi K. "The Role of Muslim Scholars in Oto-rhino-Laryngology". The Egyptian Journal of O.R.L. 1978; 4 (1): 1-15.

33. Valley P. How Islamic Inventors Changed the World. The Independent, 11 March 2006.

34. Masoud MT, Masoud F. How Islam changed medicine: Ibn al-Haytham and optics. BMJ. 2006; 332(7533):120.

35. Ullman M. Islamic medicine, Edinburgh. Edinburgh university press, 1978; p. 4.

36. Adib SM. From the biomedical model to the Islamic alternative: a brief overview of medical practices in the contemporary Arab world. Soc Sci Med 2004; 58(4): 697-702.

۳۷. موسوی لاری س م. رسالت اخلاق در تکامل انسان.

قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه، ویرایش دوم، چاپ چهارم،

۱۳۷۶، صفحه ۴۱۶.

16. Rowe D. How Islam has kept us out of the "dark ages", (2008). URL: <http://www.channel4.com/science/microsites/S/science/society/islamicscience.html>

17. Campbell D. Arabian Medicine and its Influence on the Middle Ages. Kegan Paul & Co., 1926; Vol 1, p. 42.

۱۸. فتنمرگ. پنجهزار سال پزشکی. ترجمه‌ی: آگاه س.

تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶؛ صفحه ۵۲-

۹.

۱۹. الگود س، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت

شرقی. ترجمه‌ی: فرقانی ب. ۱۳۵۶؛ صفحه ۶۷

20. Momtahan H. The Story of Jundishapur. Ahwaz: Jundishapur University Press, 1977: p. 44, 37.

21. Najmabadi M. History of Medicine in Ancient Iran. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press, 2001; p. 86.

22. Shahrivini M. University of Gondishapur in the Cradle of History. Tehran: Pourshad Publication, 2002; 100-101, 147-155.

23. Azizi MH. Gondishapur school of medicine: the most important medical center in antiquity. Arch Iranian Med 2008; 11 (1): 116-19.

۲۴. بدون نام. تاریخچه پزشکی ایران، (۱۳۸۷). آدرس

<http://fa.wikipedia.org/>: اینترنتی:

۲۵. سامی ع. گندی شاپور. سال ۱۳۴۹؛ دوره ۸، شماره

۹۰، صفحه ۷-۶.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.